

آموزش ترجمه، فن آوری آموزشی:

شیوه‌ای شبه کارگاهی

دکتر محمدتقی منشی طوسی
دانشگاه آزاد اسلامی مشهد



با توجه به واقعیت‌های دنیای شتابان امروز و حجم بالای مطالب گوناگون که هر روزه در گوشه‌وکنار دنیا منتشر می‌شود، از آموزش ترجمه و تربیت مترجمان گریزی نیست. ناگفته پیداست که برای ترجمه این حجم فراوان از مطالب مختلف نمی‌توان تنها به تعدادی معدود مترجم بسنده کرد که به اتکای علاقه و خلاقیت هنری و تواناییهای ذاتی خود بدون آموزش رسمی روی به ترجمه می‌آورند. وجود رشته‌های کارشناسی ترجمه در دانشگاه‌های مختلف^(۱) و نیز

درسهای مختلف ترجمه در دیگر گرایشهای مرتبط با زبانهای خارجی مؤید نیاز به تربیت و آموزش مترجمان جدید است.

بی‌تردید آموزش آن بخش از ترجمه که به تحلیلهای ساختاری و معنایی مربوط می‌شود و در حوزه زبان‌شناسی قرار می‌گیرد و جنبه فنی دارد، راهگشای مترجمان تازه کار خواهد بود. پیتر نیومارک در بخشی از فصل نخست *درستنامه ترجمه*^(۲) خود می‌گوید "مترجم باید در زبان مادری خود از فراست و نوعی حس ششم برخوردار باشد و این حس ششم است که او را در ترجمه هدایت می‌کند و به او می‌گوید کجا به صورت لفظ به لفظ ترجمه کند و کجا تمام قاعده‌های ترجمه را زیر پا بگذارد". با این حال، وی معتقد است که تجزیه و تحلیل متن زبان مبدأ اساس کار مترجم است^(۳)، و این همان بخشی است که می‌توان راهکارهایش را در کلاسهای آموزش ترجمه و در کتابهای درسی ترجمه، آن‌گونه که مترجمان باتجربه و کهنه کار تجربه کرده‌اند، در اختیار نوآموزان این رشته قرار داد.

دکتر حق‌شناس (۱۳۷۷) یکی از مسائل موجود در امر آموزش و یادگیری ترجمه را چگونگی آموزش این فن یا هنر می‌داند. او می‌گوید: "ترجمه را تا یکی چند دهه پیش به شیوه شاگرد و استادی می‌آموختند. منتها استاد این فن یا هنر برخلاف استادان هنرها و فنون دیگر کارگاه معینی نداشت تا ترجمه نیز مثل بقیه به هیئت نهادی جا افتاده درآید"^(۴). این کارگاه ممکن بود در هر مکانی که امکان ملاقات استاد و شاگرد را فراهم آورد تشکیل شود. محافل دوستانه، دور میز قهوه‌خانه‌ها، دفترهای

انتشاراتی، و حتی گوشه زندانهای سیاسی از جمله این مکانها بود. به نقل از دکتر حق شناس، محقق کتاب شناس معروف کامران فانی در ریز بلندبالایی از مترجمانی یاد می‌کند که کار ترجمه را در زندانهای سیاسی آموخته و در چنین محافلی پرورده شده‌اند. از جمله این افراد می‌توان از ابراهیم یونسی، صمدی محمود اعتمادزاده، دهکردی، و عموئی نام برد.^(۵)

از دیگر شیوه‌های قدیمی آموزش ترجمه که هنوز کاربرد فراوانی دارد کسب تجربه شخصی، خودخوانی و ساختن خود است. بسیاری از مترجمان کهنه کار و نیز مترجمان نسل جوانتر از چنین تجربه‌ای سخن می‌گویند. مرحوم عبدا... توکل که به پرکارترین مترجم چهل سال اخیر معروف است، در مصاحبه‌ای می‌گوید: "در ابتدای کار همیشه ده دوازده جمله فرانسوی توی جیبم داشتم و هر جا در مغازه یا خیابان یک فرانسه زبان گیر می‌آوردم اینها را از او می‌پرسیدم"^(۶). ماجرای انگلیسی یاد گرفتن نجف دریابندری نیز جالب است. او می‌گوید: "هنگامی که ۱۶ یا ۱۷ ساله بودم به سرم زد مطلبی را از انگلیسی به فارسی ترجمه کنم. انگلیسی را به زور و زحمت پیش خودم یاد گرفتم"^(۷). او در ۲۵ سالگی هنگام ترجمه کتاب "تاریخ فلسفه غرب" در زندان به اظهار خود در حقیقت مشغول آموختن فلسفه و پروراندن زبان خود بوده است. دریابندری در فراگیری فن ترجمه بر تجربه شخصی تأکید می‌کند. راهی که او در واقع بطور کامل و تمام عیار تجربه کرده و پیچ و خمهای آن را پشت سر گذاشته است.

از میان مترجمان نامدار کنونی کمتر کسی را می‌توان سراغ گرفت که از طریق آموزشهای رسمی کلاس به اعتبار و شهرتی رسیده باشد. این عده بیشتر از دوراه آموزش استاد و شاگردی و نیز خودخوانی و خودآموزی راه خود را باز کرده و به جایی رسیده‌اند. علی صلح جو در نقدی بر کتاب سی سال ترجمه، سی سال تجربه می‌گوید: "به جرأت می‌توان گفت در حال حاضر هیچ دانشگاه یا نهاد رسمی در ایران وجود ندارد که علاقه‌مندان تا آن سطح زبان و ادبیات انگلیسی بیاموزند که برای ترجمه کردن کتابهایی که دریابندری ترجمه کرده است کفایت کند"^(۸). از مترجمان نسل جوانتر، فرزانه ظاهری در مصاحبه با فصلنامه مترجم^(۹) می‌گوید: "شاید بتوانم بگویم که جز همان آموختن زبان دوم، از بدو تحصیل تاکنون از آموزشهای کلاسیک در تقویت زبان انگلیسی و فارسی نصیب چندانی نبرده‌ام".

باری، از آنچه گذشت پیداست که مترجمان نامدار کنونی تنها با استفاده از شیوه استاد - شاگردی و رویکرد تجربه شخصی، خودخوانی و خودسازی به این درجه از توانایی و کارایی رسیده‌اند و آموزش رسمی کلاسی در پیشرفت و تعالی آنان جایی نداشته است. با این حال، به رغم تمامی امتیازهای درخشان موجود در این دو رویکرد، این شیوه‌ها با سرشت جهان جدید سازگاری چندانی ندارند و به جرأت می‌توان گفت که به علت تنوع و فراوانی نیازهای بشر مدرن و دنیای شتابان امروز، از شیوه آموزش کلاسی و استفاده از معلم‌گریزی نیست. بنابراین باید ترتیبی اتخاذ کرد که این نوع آموزش ترجمه به خوبی و به صورتی مؤثر بتواند، اگر نه بطور کامل، تا حدودی جایگزین دو شیوه سنتی و معمول قدیمی شود. حال که چنین است، این پرسش طرح می‌شود که آیا روال کار پذیرفته شده و مؤثری وجود دارد که

به رغم تمامی مشکلات موجود در کلاسهای آموزش ترجمه یعنی شمار بالای دانشجویان، فرصت اندک، و نبود کتاب درسی استاندارد، بتواند با عوامل و مراحل آموزش این فن یا هنر، و نیز نیازهای جهان کنونی سازگار باشد؟ پاسخ به این پرسش، تا آنجا که نگارنده می‌داند منفی است.

شیوه متداول در کلاسهای آموزش ترجمه معمولاً به این صورت است که دانشجویان ترجمه متن از پیش تعیین شده‌ای را که در منزل ترجمه کرده‌اند در کلاس می‌خوانند و استاد ضمن تصحیح شفاهی، نکات ساختاری، واژگانی، و احتمالاً گفتمانی ترجمه قرائت شده را متذکر می‌شود و در پایان ترجمه پیشنهادی خود را می‌خواند یا در صورت ضرورت روی تخته می‌نویسد. بی‌تردید چنین شیوه‌ای با توجه به کمبود وقت کلاس و تعداد زیاد دانشجویان از کارایی لازم برخوردار نیست. افزون بر آن، در هر جلسه تنها یک الی دو نفر از دانشجویان فرصت می‌یابند تا ترجمه خود را بخوانند و به نکات اصلاحی استاد درباره آن گوش فرا دهند، یا به دفاع از آن بپردازند. حال آن‌که، بقیه دانشجویان حاضر در کلاس به علت در اختیار نداشتن متن ترجمه مورد بحث امکان شرکت در این گفتگو را نمی‌یابند و تنها به صورت موردی به یادداشت برداری از نکات اصلاحی استاد اکتفا می‌کنند. بدین ترتیب و با توجه به فرصت اندک کلاس، بخش اعظم آموزش و فراگیری تنها از طریق شنیدن و انتقال از طریق گوش صورت می‌گیرد و بهره چندانانی نصیب کلاس نخواهد شد.

از دیگر شیوه‌های پیشنهاد شده برای آموزش ترجمه در کلاس، شیوه کارگاهی است که اگر به صورت جدی با تعداد اندکی دانشجو در هر گروه و با استفاده از اساتید مجرب و صاحب صلاحیت در دو حوزه نظری و عملی ترجمه، استفاده شود می‌تواند مؤثر باشد و تا اندازه زیادی بر کاستیهای آموزش کلاسی ترجمه فائق آید. اما این شیوه نیز به علت تعداد زیاد دانشجویان و مشکلات نظام آموزشی که مانع بهره‌گیری از تجربه سالیان استادان چیره‌دست ترجمه می‌شود در عمل کاربردی ندارد. باین حال، تشکیل چنین کارگاههایی، همان‌گونه که آقای دکتر یارمحمدی^(۱۰) پیشنهاد داده‌اند، به صورت دوره‌های ضمن خدمت برای استادان ترجمه دانشگاهها که از دانش نظری لازم برخوردارند اما تجربه عملی کار ترجمه ندارند مفید است و به کیفیت کار آموزش آنان هنگام تدریس در کلاسهای ترجمه می‌افزاید.

استفاده از فن آوری آموزشی: شیوه‌ای شبه کارگاهی

امروزه در بیشتر نقاط جهان، اعم از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، فن آوری آموزشی کاربرد وسیعی یافته و کارایی آن در مقایسه با شیوه‌های سنتی آموزش یعنی سخنرانی صرف و استفاده از گچ و تخته سیاه بر کمتر کسی پوشیده است. بی‌تردید استفاده از وسایل آموزشی چون ضبط صوت، تلویزیون، ویدئو، پروژکتور اورهد، اُپیک و جدیدترین و پرکاربردترین آنها یعنی کامپیوتر و نرم‌افزارهای مختلف آموزشی، حتی وسایل ساده‌ای چون عکس، تصویر، پوستر، نمودار، و غیره، کار آموزش را آسانتر و مؤثرتر می‌کند. این وسایل به معلم امکان می‌دهد تا از فرصت محدود زمانی استفاده بیشتری ببرد و در

عین حال فراگیری را برای دانشجویان معنی دارتر و جالب‌تر کند. پیداست آموزش ترجمه از این قاعه مستثنی نیست، و حتی با توجه به آنچه پیشتر آمد کارایی بیشتری دارد. ترجمه را می‌توان با استفاده و وسایل ساده‌ای چون پروژکتور آورهد یا اوپک، تخته سفید (وایت‌بورد)، برگه‌های ترنس‌پرنسی یا تله و ماژیک مخصوص تخته سفید به صورتی شبه کارگاهی آموزش داد و تا حد زیادی کاستیهای شیرین متداول در کلاسهای ترجمه را برطرف کرد.

شیوه اجرا

در این شیوه مانند دیگر روشهای متداول در کلاسهای آموزش ترجمه، دانشجویان متن از پیش تعیین شده‌ای را ترجمه می‌کنند. پس از بازخوانی و انجام ویرایشهای لازم، آنان متن ترجمه شده را با ماژیک به صورتی باز در خطهای فاصله‌دار روی برگه‌های ترنس‌پرنسی می‌نویسند و با خود به کلاس می‌آورند. در کلاس به تشخیص استاد و برحسب طولانی بودن و دشواری متن، ترجمه یک یا چند تن از دانشجویان روی دستگاه پروژکتور آورهد قرار می‌گیرد، و روی تخته سفید منعکس می‌شود. در این مرحله، دانشجویی که ترجمه‌اش به نمایش در می‌آید، با صدای بلند نخست جمله متن اصلی و سپس ترجمه آن را می‌خواند. پس از خواندن هر جمله، دیگر دانشجویان که به هر دو متن اصلی و ترجمه مورد بحث – متن اصلی روی کاغذ و ترجمه روی تخته سفید – دسترسی دارند، با بهره‌گیری از دانش و تجربه خود و نکاتی که در حین ترجمه متن مورد بحث آموخته‌اند، به داوری می‌پردازند و پیشنهادهای خود را برای اصلاح ترجمه ارائه می‌دهند. داوری آنان نخست به برداشت و برگردان صحیح متن به زبان مقصد، و سپس به نکته‌های ساختاری، واژگانی، و گفتمانی ترجمه مورد بحث مربوط می‌شود. پس از بحث و تبادل نظر که با نظارت و هدایت استاد انجام می‌گیرد، ویرایشهای لازم انجام می‌شود و جمله تصحیح شده با ماژیک سبز یا رنگی متفاوت از رنگ ماژیک متن ترجمه روی تخته سفید، بالای جمله اولیه نوشته می‌شود. همین روال تا پایان ترجمه ادامه می‌یابد.

در حین انجام کار، استاد دلایل رد یا قبول پیشنهادهای ارائه شده را متذکر می‌شود و دانشجویان نکات مهم را یادداشت می‌کنند. بدین ترتیب استاد می‌کوشد تا با کمک خود آنان راه ترجمه کردن را به دانشجویان بیاموزد و با تذکر و توضیح نکات لازم طریقه انتقال معنی را از زبانی به زبان دیگر به آنها آموزش دهد و آنان را در تلاش برای رسیدن به هدف سهیم کند. در حین تصحیح، تلاش بر این خواهد بود که از اعمال سلیقه شخصی، خواه از جانب استاد خواه از طرف دانشجویان، خودداری شود و در حد امکان چارچوب جمله اولیه حفظ شود و تنها آن بخش از جمله که به دلایل روشن و پذیرفته شده نگارشی، واژگانی، یا گفتمانی نیاز به اصلاح دارد تغییر یابد.

پس از پایان ویرایش و نوشتن هر جمله، به چند تن از دانشجویان فرصت داده خواهد شد تا جمله‌هایی را که خود ترجمه کرده‌اند بخوانند و ابهامات موجود در آنها را رفع کنند. در صورتی که در

هریک از جمله‌های خوانده شده نکته‌ای آموزشی یا زیباشناختی وجود داشته باشد برای استفاده و یادداشت‌برداری دیگر دانشجویان در حاشیه تخته سفید نوشته و توضیح لازم درباره آن داده می‌شود. پس از اتمام کار گروهی، یعنی ویرایش و نگارش کل متن روی تخته سفید، در ده دقیقه پایانی کلاس، استاد ترجمه پیشنهادی خود را که به همان شیوه روی ترنس پرئسی نوشته شده است، روی دستگاه می‌گذارد و درباره نکات مختلف آن توضیح لازم ارائه می‌دهد. بدین ترتیب دانشجو ضمن مقایسه ترجمه خود، ترجمه گروهی کلاسی، و نیز ترجمه استاد، با در نظر گرفتن توضیحات ارائه شده، به جوه اشتراک و افتراق آنها توجه می‌کند و از میان آنها ترجمه‌ای را که بهتر و صحیح‌تر می‌یابد برمی‌گزیند. هنگامیکه متن تعیین شده برای ترجمه کلاسی، پیشتر ترجمه و منتشر شده باشد، نسخه‌ای از آن هم در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرد تا مقایسه کاملتر و بهتر انجام پذیرد. در این شیوه، به دانشجویان توصیه می‌شود که نسخه‌ای از تمامی ترجمه‌های شخصی، کلاسی، استاد، و دیگر ترجمه‌های ارائه شده را همراه با ویرایشهای انجام شده در پوشه‌ای نگهداری و در هنگام نیاز دوباره به آنها مراجعه کنند. اجرای این شیوه با استفاده از دستگاه اُپیک نیز امکان‌پذیر است. در این صورت، نیازی به نوشتن متن ترجمه روی برگه ترنس پرئسی نیست، اما ایراد آن ضرورت تاریک بودن محیط کلاسی است که در چنین شرایطی امکان یادداشت‌برداری و خواندن متن اصلی وجود ندارد و باید به صورت‌های دیگر این کاستی جبران شود.

مزایای شیوه شبه کارگاهی

- شیوه شبه کارگاهی، روشی است که در واقع از ترکیب شیوه‌های متداول کلاسهای آموزش ترجمه و شیوه کارگاهی به همراه استفاده از فن آوری آموزشی تشکیل یافته است. در حد تجربه شخصی نگارنده، این شیوه تا حدودی از اشکالات شیوه‌های متداول آموزش ترجمه به دور و دارای مزایای زیر است:
- افزایش میزان فراگیری در دانشجویان به علت چند رسانه‌ای بودن این نوع آموزش (دیداری- شنیداری).
 - شرکت فعال و گروهی دانشجویان در بحث و تبادل نظر و در نتیجه رسیدن به یک نظر واحد با نظارت استاد (آنچه که در شیوه کارگاهی مورد نظر است).
 - تقویت حس اعتماد به نفس در دانشجویان و در نتیجه ایجاد انگیزه پیشرفت و فراگیری مؤثرتر در آنان.
 - ایجاد و تقویت شوق پرداختن به کار ترجمه و پی‌گیری آن بطور انفرادی در مراحل بعد.
 - استفاده بهینه از وقت با بهره‌گیری از فن آوری آموزشی و شرکت کل دانشجویان در فعالیتهای کلاسی در فرصت محدود کلاس به صورتی روشمند.
 - ارائه چند نمونه ترجمه و در نتیجه فراهم آوردن امکان مقایسه و گزینش ترجمه بهتر با توجه به

اصول و قواعد ساختاری، واژگانی، و گفتمانی ارائه شده در کلاس.

- پیوند دادن توضیحات نظری با ترجمه عملی به صورتی عینی در هنگام کار.
- پی بردن به نیازهای دانشجویان از طریق بحثها، و ابراز نظرهای کلاس و در نتیجه تلاش بر رفع آنها.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه گفته شد، در صورت تداوم این شیوه از ابتدای کار تا مراحل پیشرفته تر، در طی یک نیمسال و نیز نیمسالهای بعد در سطحی بالاتر، امید آن می رود که دانشجویان به تدریج با ریزه کاریها و ظرافتهای کار ترجمه آشنا شوند و آنها را در تکلیفهای هفتگی و پایانی هر نیمسال تمرین کنند و سپس در دنیای واقعی کار به صورت عملی به کار گیرند. تجربه های شخصی نگارنده، طی بیش از ده سال آموزش ترجمه به این روش، و نیز تواناییها و رشد دانشجویانی که با این شیوه آموزش دیده اند گواه این مدعاست که از این طریق می توان، اگر نگوییم بطور کامل، دست کم تا حدودی کاستیهای شیوه های متداول کلاسهای آموزش ترجمه را برطرف و مترجمانی تربیت کرد که بتوانند در مؤسسه ها و مراکز مختلف از جمله مؤسسه های انتشاراتی، خبرگزاریها، روزنامه ها، و سازمان صدا و سیما در سطحی پیشرفته و حرفه ای به کار ترجمه بپردازند.

پی نوشت ها:

۱. بر اساس اطلاعات موجود در دفترچه های راهنمای آزمونهای سراسری دانشگاه های دولتی و آزاد (۱۳۸۰) در حال حاضر در دوره های روزانه و شبانه دانشگاه های دولتی ۸ رشته کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی و ۳ رشته کارشناسی زبان آلمانی وجود دارد. بر همین اساس در دانشگاه آزاد اسلامی ۲۶ رشته کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، ۳ رشته کارشناسی مترجمی زبان فرانسه، یک رشته کارشناسی مترجمی زبان آلمانی و یک رشته کاردانی مترجمی زبان انگلیسی مشغول تربیت و آموزش مترجم هستند.
۲. پیتر نیومارک، چند توصیه به مترجمین جوان، برگردان دو فصل نخست کتاب *A Textbook of Translation*، ترجمه هاشم حسینی، ادبستان ۹، ص ۲۶.
۳. همان، ص ۲۷.
۴. علی محمد حق شناس، ابهام و نارسایی در ترجمه های فارسی، ریشه یابی و چاره جویی، بخارا، ش ۴ (بهمن و اسفند ۷۷)، ص ۵۴.
۵. همان، ۵۴ پانویشت.
۶. یک مترجم ساده ساده، پیام کتابخانه، سال اول، ش ۱ (تابستان ۷۰)، صص ۹۵-۸۷.
۷. علی صلح جو، "نقدی بر کتاب سی سال ترجمه، سی سال تجربه (۲)"، مترجم، سال هفتم، ش ۲۸ (زمستان ۷۷)، ص ۱۴.
۸. همان، ص ۱۴.
۹. گفت وگو با فرزانه طاهری، مترجم، سال هفتم، ش ۲۷ (پاییز ۷۷)، ص ۱۷.
۱۰. مترجم، سال اول، ش ۳ (پاییز ۷۰)، صص ۲۲-۷.